



۱۶/۰۳/۲۰۱۵



داکتر سيد خليل الله هاشمیان

توضیحاتی به خدمت یک‌عهده هموطنان محترم، پیرامون مقاله "اسلام و زن"

باستقبال روز جهانی زن مقالات زیادی در پورتال وزین افغان جرمن آنلاين نشر گردید و من همه آنها را میخواندم، اما هنگامیکه در پورتال وزین (تول افغانستان) مقاله ایرا بقلم محترم استاد عبدالرحمن فرقانی خواندم، بحیث یک مسلمان و هم بحیث یک روادار و طرفدار تأمین حقوق زن در افغانستان که همیشه آنرا لیبیک گفته ام، خواستم این مقاله را بطور همکار همیشگی به پورتال افغان جرمن آنلاين هم بفرستم تا تعداد بیشتر افغانها و خصوصاً خانم ها آنرا بخوانند و در زمینه اظهار نظر کنند - من نه تنها نویسنده اصلی این مبحث را که دانشمند شهیر اسلام مرحوم مولانا سید قطب میباشند، معرفی کرده بودم، بلکه تلخیصی از مرام و مقصد مقاله ای که نظر اسلام را پیرامون حقوق زن بیان میدارد، در مقدمه ذکر کرده بودم- این مقاله طبق معمول به ضمیمه یک نامه مختصر به متصدیان محترم پورتال افغان جرمن آنلاين فرستاده شده بود و در آن نامه نوشته بودم که لطفاً این مقاله را بعد از خواندن تصمیم به نشر آن بگیریید. اما دوست محترم آقای انجنیر قیس کبیر یک هفته بعد از نشر مقاله توسط خودشان و اینکه خوشبختانه فرصت خواندن آنرا پیدا کرده بودند، در تبصره خود می نویسند:

"نوشته شانرا در ارتباط جناب فرقانی مطالعه کردم - سوالیکه ذهنم را بخود مصروف ساخت این بود که دلیل نشر و بازنویسی این مقاله از جانب داکتر صاحب هاشمیان در چی بوده است و روی کدام دلیل و نظر بکدام بخش مطلب و قابل غور آن این عمل بازنویسی شان صورت گرفته است؟"

عرض میشود: محترم استاد فرقانی از تحصیل یافتگان جامعه الأزهر و یکتن از پیروان مرحوم سید قطب میباشند- نویسنده مقاله محترم استاد فرقانی است و او در سطر دوم مقاله خود نوشته که نظر مرحوم سید قطب را پیرامون اثرات انقلاب صنعتی اروپا بالای زن در اروپا و جهان غرب ارائه کرده است. گویا به استثنای دو سه سطر مقدمه، متن کامل این مقاله بیانگر نظرات دانشمند شهیر جهان اسلام، استاد معروف جامعه الأزهر، مؤلف حد اقل سی کتاب که یک‌عهده آن بالسنه انگلیسی، فرانسوی و جرمنی ترجمه شده، مرحوم سید قطب میباشند.

اینکه دلیل نشر این مقاله را از من میپرسند، احتراماً بعرض میرسانم که ناشر این مقاله شما و پورتال شما بود، نه من! البته من انتقال دهنده این مقاله بشما میباشم و پورتال شما تصمیم نشر آنرا گرفته است. اینکه دلیل علاقمندی مرا باین مقاله پرسیده اید که کدام بخش و کدام مطلب آنرا قابل غور یافتم؟ **عرض میشود:** این مقاله در پورتال (تول افغانستان) نشر شده بود، وقتی آنرا خواندم و ملتفت شدم که نویسنده محترم نظرات مرحوم سید قطب را در باره حقوق زن در اروپا و اسلام منعکس کرده است، از آنجائیکه من چندین کتاب مرحوم سید قطب را قبلاً خوانده بودم و جهان اسلام این دانشمند شهیر را بلقب "علامه" مخاطب قرار میدهد، شاگردان اروپایی و امریکایی او یک‌عهده آثار فلسفی او را ترجمه کرده اند، لهذا به ارتباط تجلیل روز جهانی زن در پورتال وزین افغان جرمن آنلاين، و به اساس رواداری و همکاری قلمی که با این پورتال دارم، تصمیم گرفتم این مقاله را به منظور آگاهی خوانران و برادران افغان و مسلمان خود، بدسترس شما قرار دهم که بنظر من خوب شد شما آنرا نشر کردید، زیرا یکتعداد افغانها آنرا خواندند و بالای تبصره های ناشی از خواندن آن اینک درین مقاله مکتب میکنیم. آیا ارسال و انتقال یک مقاله پیرامون حقوق زن در جهان و اسلام، مقاله ایکه قبلاً در یک پورتال دیگر نشر شده، یک گناه یا یک تلقی نارواداری یا یک عمل غیر اخلاقی پنداشته شده میتواند؟

اینکه شما میفرمائید: " از جائیکه زن در غرب که توسط محترم فرقانی مبالغه آمیز مورد انتقاد قرار گرفته" تبصره ای دارم: محترم فرقانی در آن مقاله هیچ نوع اظهار نظر در باره "زن در غرب" نکرده، بلکه نظرات استاد خود مرحوم سید قطب را منعکس کرده است، اگر شما او را به حیث انعکاس دهنده نظرات استادش ملامت میشمارید، اختیار دارید - بهرحال خوش شدم جناب شما با تمام مصروفیت هایی که دارید، آن مقاله را یکبار خوانده اید و هر آئینه مستحق نظرات تان میباشید. خوش شدم و از شما تشکر میکنم که آن مقاله را به اساس جهانیابی خود مورد تبصره قرار دادید.

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليکنې دليکنيزې ښې پاڼوالې د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خير و لولئ

محترمه خانم مستوره رحمانی از خواندن آن مقاله مشتعل شده و عوض آنکه محترم استاد فرقانی را به خاطر انشاء مقاله اش مورد انتقاد قرار دهند، این حقیر را با کلمات و جملات دور از اخلاق یک زن مسلمان مخاطب ساخته، و متأثر شدم که یک زن افغان از فقه اسلام به ارتباط حقوق زن آنقدر بیخبر بوده که بار اول بعد از مروری بر آن مقاله به اصطلاح تور خورده است. مرحوم سید قطب از وضع ناهنجار زن در اروپا به هنگام انقلاب صنعتی و اثرات اجتماعی و اقتصادی آن سخن رانده، ولی خانم مستوره از پیشرفت و ترقی جهان غرب و زن غربی در قرن 21 سخن رانده و سه خانم: تاجر، هیلری کلینتن و مرکل را منحیث نمونه مثال قرار داده است. متأسفم که خانم مستوره یک زن کم معلومات و در عین زمان عصبی مزاج قرار دارند - اگر این خانم کتاب (سیمای زن افغان در حماسه و تاریخ) تألیف استاد سیستانی را که در این پورتال مدت طولانی مورد نشر و بحث قرار گرفته، میخواندند و از کارنامه های زن افغان در کشور و فرهنگ خود معلومات میداشتند، زندهای غربی را به حیث قهرمان تمثیل نمیکردند - بقول جناب داکتر محمد ایمل " درک نادرست از نوشته هاشمیان و درک غلط از افکار یک عالم نستوه اسلام شهید سید قطب، به وضاحت معلوم میشود که معلومات تان نسبت به اسلام و حقوق زن در اسلام فوق العاده کم است" جهان اسلام و مرحوم سید قطب از پیشرفت سریع علوم و تکنالوجی در جهان غرب و جهش سریع زن برای احقاق حقوقش منکر نمی باشند، اما سید قطب میگوید زن در جوامع غربی هنوز هم حقوق و امتیازاتی مانند مرد ندارد، علوئاً جهان غرب از زن یک "گدی تجارتی" ساخته است.

محترمه خانم مستوره در جای دیگر هاشمیان را یک "انسان عقب مانده" خوانده و او را متهم میسازد که " با سخنان و تبلیغات میان خالی و غیر واقعی خود، زنان مسلمان را خوشبخت ترین زنان روی زمین نشان میدهد" هاشمیان حق دارد ازین خانم بپرسد که نشان بدهد هاشمیان در کدام کتاب، کدام نشریه، کدام پورتال و به کدام تاریخ چنین چیزی گفته باشد؟ در ملای عام و در یک پورتالی که روزانه صد ها نفر مندرجات آنرا میخوانند، بدون سند و ثبوت ادعاء کردن و تهمت بستن، ادعاء کننده را شرمنده و خجل میسازد. خانم مستوره که مقاله استاد فرقانی و نظریات مرحوم سید قطب را مرور کرده و منحیث یک زن عصبی نه تنها محتویات آنرا درست فهمیده، بلکه اینقدر درک و تعمق نتوانسته که هاشمیان در متن و محتوی مقاله مورد بحث هیچ سهمی نداشته و فقط آنرا بیک مرجع رسمی برای نشر فرستاده بود. آیا خانم مستوره مقدمه ذیل هاشمیان را در آغاز آن مقاله نخوانده که میگوید:

به استقبال از روز هشتم مارچ روز جهانی زن

"یک مقاله تحقیقی بقلم استاد عبدالرحمن فرقانی در وبسایت (تول افغانستان) تحت عنوان (اسلام و زن) نشر شده، این مقاله از قول یک دانشمند شهیر اسلام مرحوم استاد سید قطب مدعی است که انقلاب صنعتی اروپا زن را از مقام وزین و مصون اجتماعی اش جدا و بدبخت ساخته و مقام زن را بحیث یک متاع بی ارزش تجارتي درآورده است. مقاله در قسمت اخیر خود حقوق زن را بطور مقایسوی در شریعت اسلام نیز مطرح ساخته است. به امید اینکه افغانها (مرد و زن) این مقاله را بخوانند و در زمینه اظهار نظر کنند"

خانم مستوره جان، اگر شما از سواد بهره کافی میداشتید و مطلب این مقدمه را می فهمیدید، آنگاه از نوشتن لاطایلات خود دست میرداشتید!

خانم مستوره در جای دیگر نوشته خود در بخش کلکین نظریایی میفرماید که: "به عقیده من بدبخت ترین زنان روی زمین زنانی اند که در کشور های اسلامی و بخصوص در افغانستان زاده شده اند و..." خانم مستوره! آیا همه زنان کشور های اسلامی و افغانستان با نظر شما موافق اند و آیا شما از نظرات همه زندهای مسلمان در روی زمین نمایندگی میتوانید؟ آیا شما امضاء ده زن افغان را در کشوری که سکونت دارید، حاضر ساخته میتوانید که با نظر فوق شما موافق باشند؟ اینکه شما از اسلام نفرت دارید، اختیار تان، اما شما از همه زندهای افغان و مسلمان نمایندگی نمیتوانید. از چنین مدعیات غیر مصدق معلوم میشود که شما با اصول نویسندگی آشنایی ندارید! از نوشته هموطن تان جناب آقای عبدالولی از امریکا پند بگیری که شما را مخاطب قرار داده میفرماید: " با اعصابیت وارد بحث شده اند و اسپ استدلال خود را با قمچین عصبانیت زده... یکی کمی مطالعه آزاد آنهم در کتابخانه انصاف و عدالت و زیر چراغ و روشنایی ضمیر بشری و تعقل انجام دهید..."

خانم مستوره در نوشته خود میفرماید که: "مدت 25 سال است که در غرب زندگی میکنم و هرگز ندیده ام که مرد غربی در ملای عام آزار و اذیت برساند، ولی در افغانستان هر روز می شنویم که ... درست است که در افغانستان خشونت با زن تزئید یافته، اما دلیل آن فقر و گرسنگی و بیکاری ناشی از دوام سی سال جنگ است - بقرار آخرین احصائیه ها، بیکاری مردان در افغانستان به 50 فیصد رسیده است. آیا در دوره امانیه، نادرشاه،

د پانوی شمیره: له 2 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولی

ظاهر شاه و جمهوریت داؤد خان این نوع خشونت‌های فجیع و ظالمانه بمقابل زن را کسی شنیده یا بخاطر دارد؟ آیا در آن دوره ها پدر دختر نابالغ خود را بطور علنی در ملای عام برای فروش عرضه میکرد؟ شما که 25 سال است در غرب زندگی میکنید، از یکطرف از اوضاع حالات اقتصادی و اجتماعی وطن سابق تان وقوف کافی ندارید و از جانب دیگر شاید چندان علاقمندی به مطالعه اخبار و میدیای کشور متوقف فیهای تان نداشته اید، زیرا در همه کشورهای اروپایی و خصوصاً در امریکا وقوع جنایات اجتماعی (باستثنای جنایات جنگی) بر مراتب بیشتر از افغانستان است .

مستوره خانم، در اخیر این جمله شما که هاشمیان را مخاطب ساخته که: "کاش با ارائه این مقاله آبروی خود را نمی بردید" به اساس مقوله "اعطاء شما بخود شما"، آنرا بشما میسپارم، و قضاوت را بمردم میگذارم که "کی آبروی خود را برده است؟" با احترام – هاشمیان.

محترم آقای سید حبیب حباب در کلکین نظریایی نوشته اند که "خانه مسلمانان را همین قطب ها (سید قطب و محمد قطب) و پیروان آنها مانند محترم هاشمیان خراب کردند... اما ممکن آقای هاشمیان... در اسلام و دیگر مسایل اطلاع صائب ندارند... تأیید نظر هاشمیان در مورد عقاید اخوانیها و بنیادگرایان خطای بزرگی است... هاشمیان القاب علمی را بشاخی باد میکند، خبط و خطای زیادی دیده میشود"

هموطن محترم آقای حباب! من مرحوم علامه سید قطب را در زندگی ندیده ام و پیرو طریقت و افکار شان نیستم، اما منحصت طالب العلم زبان و ادبیات، یکعده آثار شانرا خوانده ام و به استعداد و دانش شان احترام قایلیم. من در اسلام همانقدر معلومات دارم که باید یک مسلمان باشم- در مکتب مضمون دینیات و در فاکولته ادبیات تاریخ اسلام و فلسفه اسلام تدریس میشد. علاوه یکعده آثار و اشعار مولانای روم، سنایی غزنوی، جامی، سعدی، حافظ، خیام، بیدل و امثالهم را به اساس اقتضای مسلک خود خوانده ام و مضامینی بنام دستور زبان دری و تاریخ ادبیات دری را تدریس میکردم. اما شما درست تشخیص نموده اید که "در اسلام اطلاع صائب" ندارم و هیچگاه در مسایل فقهی اسلامی بخود صلاحیت اظهار نظر را نداده ام- بعد از ملاحظه شما از مقاله استاد فرقانی، از نوشته شما که "هاشمیان در اسلام نظر صائب ندارد" چنین بر می آید که مطالعه جناب شما هم از آن مقاله و نظریات مرحوم سید قطب، باین نتیجه رسیده که گویا هاشمیان آن مقاله را نوشته باشد! بنابراین در مورد قدرت مطالعه شما شک و تردید پیدا میشود.

ادعای دیگر شما که: "نظر هاشمیان در مورد عقاید اخوانیها و بنیادگزاران خطای بزرگی است" یک اتهام شخصی و غیر مستند میباشد، زیرا همه مردم که مرا می شناسند، خواهند گفت که هاشمیان اخوانی و بنیاد گرا نبوده - شخصیکه 23 سال بشمول 7 سال در امریکا در صنف نشسته و تحصیل کرده، جهانبینی او اجازه نمیدهد که اخوانی یا بنیادگرا باشد. اما در مدت 30 سالیکه من مدیر مسؤول نشریه ای بنام (مجله آئینه افغانستان) بوده ام، در مورد عقاید اخوانیها و بنیادگزاران و طالبان مقالات زیاد نوشته ام.

ادعای دیگر شما که: "هاشمیان القاب علمی را بشاخی باد میکند، خبط و خطای زیادی دیده میشود" بیانگر این واقعیت است که جناب شما دوست و خوشبین کتاب و علم و ادب و فرهنگ نمی باشید. این دو شاعره به اساس استعداد و لیاقت و اهلیت شان در زبان و ادب دری، مبتنی بر اشعار شان که مورد تحلیل علمی (معیار های علوم معانی، بدیع و بیان) قرار گرفته، مستحق آن لقب شده اند. من درین باره نمیخواهم بیشتر صحبت کنم- هموطنان محترم منتظر باشند تا در پورتال افغان جرمن آنلاین نوبت نشر نظریات و تفاریط دانشمندان افغان برسد. آنوقت شاید کسی پیدا شود بگوید که "سیاه رو شود آنکه در او غش باشد!" به ارتباط این موضوع، از بانوی دانشمند افغان محترمه یلدا کرزی و سخنان محبت آمیز و تقدیرش از دو شاعره نامدار افغان، عرض تشکر و امتنان میرسانم.

از آقای ولی احمد نوری باید تشکر و هم دعای طول عمر شانرا کنیم که تجلیل روز جهانی زن را و متعاقباً ماتم بتهای بامیان را براه انداختند - این دو موضوع جزء فرهنگ دایمی افغانستان شده، بفرهنگ ما غنا می بخشند - تحمل انتقادات نویسندگان و نشر بدون سانسور آنها توسط پورتال وزین افغان جرمن آنلاین کیفیت دیگری برغنا می افزاید که الهی تا ابد دوامدار بماند. با عرض احترام - سیدخلیل الله هاشمیان

د پانوی شمیره: له 3 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولی